

آخرت گرایی در ادیان بزرگ

<?xml encoding="UTF-8?">

اشاره

بی تردید، مسأله حیات پس از مرگ، یکی از دغدغه های اصیل و دیرین بشری است که عمری به درازای عمر بشر دارد؛ چه، هر انسانی به تجربه دریافته که مرگ واقعیتی است که گریز و گزیری از آن نیست، و به ناچار باید آن را پذیرفت و با آن کنار آمد. از این رو، این مسأله از دیر باز یکی از دلمشغولی های عموم انسان ها، خاصه متفکران، بوده است. از همین رو متفکران به قدر وسع کوشیده اند تا گرهی از کار فروبسته این مسأله بگشایند و به این پرسش مهم و سرنوشت ساز پاسخ دهند که آیا واقعاً از پس امروز، فردایی در کار هست یا نه؟ و اگر احیاناً هست، کیفیت آن به چه صورت است و چه سرنوشت محتومی در انتظار آدمی است؟

از آنجا که بقای پس از مرگ یکی از آموزه های دینی و از اجزا و عناصر مهم و مشترک نظام اعتقادی بسیاری از ادیان جهان است، در این مجال و مقال می کوشیم تا در حدّ توان، ضمن اشاره به سابقه این عقیده در میان اقوام و ملل ابتدایی، نظر ادیان بزرگ جهان، خاصه دین اسلام، را در این باب به تصویر بکشیم.

آخرت شناسی اقوام و ملل گذشته

آنچه از مطالعه و تحقیق در تاریخ زندگانی ملل و اقوام گذشته و نیز از کاوش های باستان شناسان و پژوهش های مردم شناسان به دست می آید، این است که حیات پس از مرگ دغدغه ای همگانی بوده است و اغلب انسان ها به نحو اسرارآمیزی معتقد بوده اند که از پس امروز، فردایی هست که باید در آن محکمه عدالت حاضر شوند و پاسخگوی اعمال و کردار خود باشند.

عقیده به حیات پس از مرگ در میان ملل گذشته سبب شده بود که آنان برای جلوگیری از بازگشت مردگان یا رفع برخی از نیازهای آنان تدابیری اتخاذ کنند که برخی از آنها عبارتند از: قرار دادن انبوهی از سنگ بر روی جسد مرده، بستن بدن مرده با طناب های محکم، فرو بردن چوبی نوک تیز در سینه مرده و دوختن جسد او به زمین، تقدیم هدایا به مرده پس از دفن جسد، کاشتن خار در اطراف قبر و در خط مسیر گورها، دفن خوراکی ها، جواهرات و انواع وسایل دفاعی به همراه جسد مرده و زنده به گور کردن زنان و خدمتگزاران میّت با او. [1]

آخرت شناسی آیین هندو

آیین هندو یا هندوئیسم از ادیان بسیار کهن جهان است. این آیین شکل تحوّل یافته آیین برهمایی است که آیین قوم آریایی هندوستان بوده، و خود آیین برهمایی شکل تکامل یافته آنیمیس (جان گرایی) است که آیین باستانی بسیاری از اقوام گذشته بوده است. براساس این آیین، همه مظاهر طبیعت روح دارند و با تقدیم قربانی و نیز با نیایش و ستایش می توان آنها را بر سر مهر آورد و مورد بهره برداری قرار داد. [2]

آیین هندو، همانند سایر ادیان، آموزه حیات پس از مرگ و فناپذیری و جاودانگی روح را می پذیرد و آن را در قالب

نظریه تناسخ یا تولّد دوباره که وجه مشخصه این آیین است عرضه می‌کند. تناسخ بدین معناست که روح پس از مرگ بدن کنونی، بر حسب اعمال گذشته خود، در قالب جدیدی حلول می‌کند.

به نظر برخی از معتقدان به تناسخ، تولّد دوباره یا بازگشت مجدد انسان‌ها به این جهان بر حسب نوع اعمال گذشته‌شان ممکن است به یکی از چهار صورت زیر باشد: 1. حلول روح شخص متوفّی در جمادات (رسخ)؛ 2.

حلول روح شخص متوفّی در نباتات (فسخ) 3. حلول روح شخص متوفّی در حیوانات (مسخ) 4. حلول روح شخص متوفّی در انسان‌ها (نسخ یا تناسخ).

طبق نظر هندوان، گردونه تناسخ و تولّد‌های مکرّر در جهان پر از رنج و محنت تا زمان دستیابی به موکّشه یعنی «رهایی» که مرتبه روحانی کمال محض است، همواره ادامه خواهد داشت. به تعبیر دقیق‌تر، موکّشه زندگی ابدی است که در آن روح از همه آلام و رنج‌های دنیوی، آزاد می‌شود و ماهیّت روحانی پاک و اصلی خود را باز می‌یابد. رسیدن به موکّشه یا مرحله‌رهایی به یکی از سه طریق معرفت، عدم دلبستگی یا عدم تعلّق (راه عمل) و بندگی خدا (راه عشق و ایثار) میسر است.

شایسته ذکر است که عقیده به تولّد دوباره یا تناسخ را در وداها (به معنای دانش‌ها)، خصوصاً در ریگ ودا (یعنی، ودای ستایش) که از متون مقدّس بسیار کهن هندوان است، نمی‌توان یافت. وداها عقیده به بهشت و دوزخ را پذیرفته بودند و انسان‌ها را بر حسب اعمال نیک یا بدشان در زندگی زمینی مستحقّ بهشت یا مستوجب دوزخ می‌دانستند. البتّه، وداها به بهشت بیش از دوزخ تأکید داشته و لذّت‌های بهشتی را معمولاً به صورت مادی تصور کرده و از بدن ظریف‌تر و جدید روح، شادی و شمع، نسیم ملایم و لطیف، آب گوارا و جوی‌های پر از شیر و غیره سخن به میان آورده‌اند. امّا، فقط در اوپانیشادها (که نوشته‌هایی فلسفی عرفانی‌اند) با مسأله تولّد دوباره مواجه می‌شویم که نقش اساسی و محوری در دین هندویی ایفا می‌کنند. [3]

آخرت‌شناسی آیین بودا

آیین بودا شاخه‌ای از آیین هندو است که در مخالفت با تعصّب‌های برهمنان به وجود آمده است. این آیین که آیینی انسان‌گرایانه است، اصلی‌ترین مسأله‌اش، رهایی آدمی از رنج است. به عبارت دیگر، یگانه وظیفه دینی انسان نجات از درد و رنج دنیوی است، به این ترتیب که به چهار حقیقت شریف معرفت بیابد که عبارتند از: الف) در هر جای دنیا رنج وجود دارد؛ ب) رنج، معلول علت‌هایی خاصّ است؛ ج) از بین بردن رنج امکان‌پذیر است؛ د) راه‌های مشخصی برای از بین بردن رنج وجود دارد، همچنین به قواعد هشتگانه که راهی میانه بین ریاضت شاقّ و افراط در لذّت‌اند عمل کند. راه‌های هشتگانه یا هشت قانون بزرگ زندگی عبارتند از: دیدگاه درست؛ اندیشه درست؛ سخن درست؛ رفتار درست؛ معاش درست؛ کوشش درست؛ توجّه درست و تأمل درست.

آخرت‌شناسی این آیین، شبیه آخرت‌شناسی آیین هندو است. براساس تعالیم بودا، زندگی آدمی با مرگ جسمانی پایان نمی‌پذیرد، بلکه بر حسب اعمال گذشته خود در زندگی، در قالب بدن دیگری در همین دنیا به حیات خود ادامه می‌دهد، [4] با این توضیح که اگر کسی عملی را از روی دلبستگی انجام دهد، سبب به وجود آمدن نیروهایی در زندگی خواهد شد که آن نیز موجب تولّد دوباره (تناسخ) می‌شود. این گردونه تناسخ تا تصفیه کامل و رسیدن آدمی به مقام «نیروانا» ادامه پیدا می‌کند؛ اما، در اثر اعمالی که بدون وابستگی انجام گیرد، از تولّد دوباره جلوگیری می‌شود و مانند دانه‌های سرخ شده، گیاهی از آن نمی‌روید و آدمی بلافاصله به مقام نیروانا نایل می‌شود.

گفتنی است که گرچه این آیین اهمیت فوق العاده ای برای مقام نیروانا قایل است، ماهیت و حقیقت آن در هاله ای از ابهام فرورفته است. فقط گاهی از آن به پایان وجود، جزیره منفرد و اقلیم آسایش یاد می کنند. به تعبیر دیگر، می گویند که نیروانا، مقام یا مرتبه ای از وجود است که کاملاً روحانی و آزاد از انواع رنج های زندگانی جسمانی است. [5]

گرچه تناسخ به معنایی که در آیین هندو و بودا آمده باطل می باشد و فیلسوفان و متکلمان مسلمان ادله متعددی در رد آن آورده اند. [6] ولی اصل این اعتقاد نشان از باور به حیات پس از مرگ دارد.

آخرت شناسی آیین زرتشت

آیین زرتشت، از آیین های ایران باستان، یعنی ایران پیش از اسلام، است. مؤسس یا پیامبر این آیین، زردشت (دارنده شتر زرد) نام دارد که بنابر قول مشهور قدمت آن به 660 قبل از میلاد می رسد. این آیین، امروزه پیروان زیادی ندارد و بیشتر آنان در هندوستان که به پارسیان هندی معروف اند و برخی شهرهای ایران مانند تهران، کرمان، یزد و شیراز زندگی می کنند.

این آیین نیز مانند سایر ادیان، حیات پس از مرگ و بقای روح انسان و در نتیجه روز جزا و اجرای عدالت در سرای دیگر را می پذیرد. براساس آموزه های این آیین، روح انسان پس از کوچ از این دنیا، مراحل را طی می کند که عبارتند از: جدایی روح از تن (مرگ)، داوری انفرادی، عبور از پل، بهشت، دوزخ و برزخ، روز قیامت، تن پسین، داوری نهایی و جمعی، گذشتن از آزمایش ایزدی، فرشگرد (عمل تازه و نو کردن کل هستی).

تفصیل مطلب اینکه بر اساس تعالیم زرتشت انسانی که دچار مرگ جسمانی شده است، روحش از تن جدا می شود و به مدت سه روز در اطراف جسد باقی می ماند و درباره اعمال گذشته اش می اندیشد. بامداد روز چهارم، روح انسان جسد را به کلی ترک می کند و راهی جهان دیگر می شود. در این سفر روحانی، اعمال افراد به صورت دختری زیبا یا پیر زنی فرتوت و ترشرو بر او ظاهر می شوند و او را تا رسیدن به مقصد همراهی می کنند.

ارواح مردگان پس از ورود به عالم دیگر، برای قضاوت و داوری انفرادی در محضر عدل اهورامزدايي حاضر می شوند. در این مرحله ایزد رشن با ترازوی خویش اعمال نیک و بد انسان را که قبلاً توسط موکلانش در طول زندگی مادی ثبت و ضبط شده اند، می سنجد.

پس از داوری انفرادی، نوبت به عبور از پلی به نام «چینوات» که برای جداسازی نیکان و بدان به وجود آمده است، می رسد. همه افراد برای رسیدن به بهشت و دوزخ باید از این پل عبور کنند. کسانی که ثوابشان بیشتر و سنگین تر باشد، پل زیر پایشان گسترده و پهن می شود و به راحتی و به سلامت از آن می گذرند و وارد بهشت می شوند، ولی افرادی که گناهشان سنگینی بکند، پل زیر پایشان بسان شمشیر بران در می آید و نمی توانند از آن عبور کنند و در نتیجه به دوزخ که زیر پل است، سرنگون می شوند. اما آنان که گناه و ثوابشان برابر باشد تا روز رستاخیز در محلی به نام «همیستگان (برزخ)» به سر می برند و معذب می شوند. زمانی رستاخیز می شود که آخرین موعود زرتشتی به نام «سوشیانس» ظهور می کند و دوران نه هزار ساله گیتی به پایان می رسد. در روز رستاخیز، ارواح مردگان به همراه بدن هایشان مجدداً برای قضاوت عمومی و کلی در محضر عدل اهورایی حاضر می شوند. پس از این قضاوت و داوری، نیکان و بدان با تن و جسم خود وارد دوزخ و بهشت می شوند. مجرمان به مدت سه روز مجازات می شوند. مجازات بدکاران چنان سخت است که به نظر آنان نه هزار سال جلوه می کند. پس از پایان سه روز نهایی، شهابی از آسمان فرومی افتد و زمین و مافیها را ذوب می کند و سیلی سوزان از فلزات گداخته بر روی

زمین جاری می شود و نیکان و بدان هر دو باید از این سیل بگذرند. عبور از این سیل «آزمایش ایزدی» خوانده می شود و گنهکاران، با عبور از آن، گناهانشان زایل می شود و از آن به بعد نیک و بد یکی می شود و همه از پارسایان به شمار می روند، با این تفاوت که شادی پارسایان واقعی به مراتب زیاده از شادی گناهکارانی است که به سبب مجازات و عقوبت پاک شده اند.

سرانجام، اهورامزدا پس از انجام آزمایش ایزدی به کمک روان های نیکان و موجودات اهورایی که اعمال رستاخیز را بر عهده دارند، اهریمن را در نبرد نهایی شکست می دهد و از بین می برد. با از بین رفتن اهریمن و ابزارهایش، جهان خلقت اهورایی و آن گاه عمل فرشگرد آغاز می شود، به این معنا که عالم فراخ و همه جا بهشت می شود. از آن روز به بعد، مردمان به دور از پیری، بیماری و درد و مرگ در این سرزمین فرشگردی، جاودانه خواهند زیست. [7]

شایان ذکر است که زرتشتیان رستگاری در هر دو جهان را از آن کسانی می دانند که با اندیشه، گفتار و کردار نیک زیسته اند. یعنی هر کس با ابزارهای اهورایی که برای شناسایی خوب و بد در اختیار دارد، می تواند با انتخاب اندیشه، گفتار و کردار نیک در این جهان، سرنوشت روانش را در زندگی بعدی رقم بزند. به عبارت دیگر، زرتشتیان معتقدند که «هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت». [8]

سخن آخر در باب آخرت شناسی زرتشتیان این است که پیروان آیین زرتشت، جسد مرده را به آب، خاک و آتش نمی سپارند، چون آنها را مقدس می دانند، بلکه آنان تا چندی پیش اجساد را به دور از مردم بر بالای کوه در جاهایی که آنها را «برج خاموشان» می گفتند قرار می دادند تا طعمه عقابان و کرکسان و سایر لاشخوران گردد. پس از مدتی استخوانهای مردگان را گرد آورده در چاهی که آن را «استودان (استخواندان)» گویند می ریختند و آن استخوانها در آنجا می ماندند و می پوسیدند. ولی اکنون آنان مردگان خود را در برج خاموشان یا در دخمه نمی گذارند، بلکه بالغ بر چهل سال است که مردگان را در اطاقهای کوچک ساخته شده از سیمان در محلی به نام «قصر فیروزه» در شرق تهران می گذارند. [9]

آخرت شناسی یهودیت

به نظر می رسد که قابل اعتمادترین مدرک برای کسب اطلاعاتی صحیح درباره آخرت شناسی یهودیت دو کتاب مقدس آنان، «تَنَخ» (عهد عتیق) [10] و «تلمود»، [11] است. از بررسی کتاب «تَنَخ»، خصوصاً بخش اسفار خمسه تورات، چنین برمی آید که این کتاب فاقد هر گونه اندیشه صریح و روشن نسبت به عالم آخرت است. با وجود این، در بخش های دیگر کتاب مذکور عبارات و تعبیری به کار رفته که به نحو ضمنی بر جهان بازگشت و عالم پس از مرگ دلالت دارند. لیکن، همان مطالب مطرح شده غالباً متفرق، محدود و مبهم بوده و تحت عناوین «داوری»، «نجات»، «ابدالآباد»، «پیوستن اسماعیل بعد از مرگ به نیاکان و اجداد خود» و... آمده است. [12]

بنابراین، از آنچه گفته شد، چنین برمی آید که در خود کتاب مقدس یهودیان تصویر روشنی از جهنم و بهشت وجود ندارد و نظریه رستاخیز در دوران بعد از کتاب مقدس مطرح شده است. اما در «تلمود» که تفسیر و تأویل تورات است، اعتقاد به رستاخیز از اصول دین و ایمان یهودی معرفی می شود و انکار آن گناهی بزرگ و نابخشودنی انگاشته می شود. با این حال، گروهی از یهودیان به نام صدوقیان عقیده به رستاخیز مردگان را مردود می دانستند؛ زیرا معتقد بودند که از این موضوع در اسفار خمسه تورات سخنی به میان نیامده است.

از این یک مورد که بگذریم بقیه یهودیان اصل اعتقادی رستاخیز را باور دارند. با وجود این، در جزئیات مسأله رستاخیز دیدگاههای متفاوتی را اتخاذ کرده اند. گروهی از یهود رستاخیز را از آن همه و گروهی دیگر زندگی آینده و پاداش را از آن عادلان و نیکوکاران می دانند و معتقدند که شریران و بدکاران با مرگ جسمانی برای همیشه نابود خواهند شد. افزون بر این، معتقدند که واقعه عظیم و شگرف رستاخیز مردگان در ارض مقدس فلسطین رخ خواهد داد و مردگانی که خارج از ارض مقدس باشند و در عین حال مستحق پاداش باشند، اجسادشان باید قبل از رستاخیز به ارض مقدس انتقال یابند. [13]

حاصل آنکه، اطلاعات صحیح و روشن در باب آخرت شناسی یهودیت در کتاب مقدس یهودیان یافت نمی شود. اما وقتی که کتاب تلمود را بررسی می کنیم صرفنظر از اختلاف نظرهایی که در جزئیات امر در بین گروههای مختلف یهودی وجود دارند می توانیم به تصویری نسبتاً روشن از روز داوری، رستاخیز مردگان، محاسبه اعمال نیک و بد انسان ها توسط خداوند و بهشتی یا جهنمی شدن انسان ها براساس اعمال نیک و بدشان در این دنیا دست یابیم.

آخرت شناسی مسیحیت

آخرت شناسی مسیحیان ریشه در «کتاب مقدس» (عهد جدید و عهد عتیق) [14] آنان دارد و نسبت به آخرت شناسی یهودیان زنده و روشن است. با وجود این، در کتاب مقدس مسیحیان درباره کم و کیف حقایق پس از مرگ خصوصاً بهشت و جهنم کمتر سخن رفته است.

مطالبی که در «کتاب مقدس» مسیحیان در باب جهان آخرت عنوان شده، غالباً تحت عناوین گوناگونی مانند روز رستاخیز، کیفر و جزا، داوری، آمرزش گناهان، ملکوت آسمان، حیات جاویدان، جهنم و... آمده است. [15]

آخرت شناسی مسیحیان را با همه ابهاماتی که دارد اجمالاً می توان به شرح زیر به تصویر کشید.

مسیحیان معتقدند که ارواح آدمیان با مرگ جسمانی از بین نمی روند، بلکه باقی می مانند و بلافاصله برای قضاوت و داوری اولیّه (داوری خاص) در محکمه عدل الهی حاضر می شوند. این داوری بر طبق اعمال نیک و بد افراد در زندگانی مادی صورت می گیرد. در این مرحله، نیکان و پاکان به بهشت می روند و گناهکاران که زندگانی شان را در سرپیچی از امر خدا گذرانده اند، سریعاً به دوزخ فرستاده می شوند. اما کسانی که تکلیفشان مشخص نیست، یعنی کسانی که در زندگانی زمینی شان به گناه آلوده شده اند و در عین حال خالصانه توبه و اظهار ندامت کرده اند، ابتدائاً به برزخ فرستاده می شوند و پس از پاک شدن به بهشت می روند.

اما داوری نهایی (داوری عام) پس از رستاخیز مردگان انجام می گیرد. رستاخیز مردگان زمانی روی می دهد که دنیا به پایان برسد و دنیا زمانی به پایان می رسد که به خواست و اراده الهی عیسی مسیح به عنوان داور نهایی دوباره ظهور کند و انجیل را تعلیم جهانی دهد و همه یهودیان به آیین مسیحیت بگروند.

در این رستاخیز، ارواح تمام انسان ها به همراه بدن هایشان با همه ویژگی های خود زنده می گردند و در برابر خدا برای ارزیابی و داوری نهایی، براساس اعمالشان در زندگی دنیوی حاضر می شوند. در این داوری، کسانی که اعمالشان بر طبق تعالیم عیسی بوده باشد، به بهشت می روند و کسانی که بی تقوا و گناهکار باشند، مستوجب عقوبتند و به دوزخ فرستاده می شوند. دوزخ مکان کیفر ابدی و جدایی دائمی از خداوند است و بهشت مکان یا وضع و حال سعادت آمیز از طریق قرب الهی است. [16]

دین اسلام، همانند سایر ادیان، زندگی پس از مرگ جسمانی را پذیرفته است، با این تفاوت که آخرت شناسی دین اسلام در قیاس با ادیان دیگر جهان، بسیار صریح و شفاف است. کتاب مقدس مسلمانان، یعنی «قرآن کریم»، در آیات متعددی سیمای آخرت را به تصویر کشیده که از جمله مهمترین عناصر آن عبارتند از: مرگ، ورود به عالم برزخ، رخدادهای پیش از رستاخیز، نفخ صور، ظهور زندگانی اخروی، حساب اعمال، شاهدان اعمال، جزا، جهنم و بهشت.

اهمیت معاد در اسلام

مسأله حیات پس از مرگ یا معاد یکی از اصول و ارکان دین اسلام [17] است و منکر آن خارج از دین اسلام است. از 6666 آیه قرآن مجید، 1400 آیه آن به این امر مهم اختصاص یافته [18] و از اصل توحید که بگذریم، بیش از هر اصل دیگری از جهات گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است که بیانگر اهمیت فوق العاده آن است.

قرآن کریم از روز واپسین با اسامی مختلفی یاد کرده است که هر کدام ویژگی و وجهی از وجوه و بُعدی از ابعاد آن را تبیین می کند، از جمله: یوم الدّین (= روز جزا)، یوم القیامه (= روز برخاستن)، یوم الحساب (= روز محاسبه)، یوم الجمع (= روز جمع شدن)، یوم الفصل (= روز جدایی حق از باطل)، یوم الحسره (= روز اندوه و حسرت)، یوم الخروج (= روز خارج شدن از قبور)، یوم البعث (= روز برانگیخته شدن)، یوم الآزفه (= روز بسیار نزدیک)، یوم الاخر (= روز پایان) و یوم الخلود (= روز جاودانگی) و. [19]

افزون بر این، قرآن کریم در مقام مجادله با منکران معاد با به یاد آوردن قدرت بی کران الهی، [20] از راه توجّه به آفرینش نخستین، [21] با ذکر نمونه های معاد در طبیعت، [22] با نقل نمونه های تاریخی معاد [23] و اینکه انکار معاد فاقد دلیل است [24]، امکان وقوع معاد را خاطر نشان می کند و نیز در پاره ای از آیات خود که عمدتاً بر یکی از اوصاف الهی مانند حکمت الهی [25] و عدالت الهی [26] تأکید می کند، بر ضرورت وقوع معاد صحّه می گذارد.

مرگ از نگاه اسلام

از دیدگاه اسلام، هر جنبنده ای، از جمله انسان، چشنده مرگ است و فقط تا مدّت معینی می تواند در این دنیا باقی بماند. با فرا رسیدن زمان مرگ، خدا یا ملک الموت یا دستیاران او روح آدمی را به تمامی می ستانند. البتّه، مرگ به معنای انعدام نیست، بلکه بازگشت به سوی خداست که با انتقال از نشئه دنیا و ورود به نشئه دیگر (آخرت) تحقّق می یابد. [27]

قبر و عالم برزخ

پس از آنکه آدمی به عللی دچار مرگ جسمانی می شود، جسد او در صورتی که در دسترس باشد با آداب و تشریفات ویژه ای در حفره ای به نام قبر نهاده می شود. براساس اعتقادات اسلامی، روح انسان پس از جدایی از بدن در قالب بدن مثالی (برزخی)، که محصول اعمال و رفتار خود انسان است، قرار می گیرد و تا روز رستاخیز در

عالمی به نام عالم برزخ [28] (قیامت صغری) به سر می برد.

ورود به عالم برزخ به سبب قطع تعلّق از دنیا و عدم انس با عالم برزخ با سختی فراوان همراه است که به صورت فشار شدیدی برای انسان جلوه می کند و از این فشار به شب اوّل قبر یا عذاب قبر تعبیر می شود. پس از ورود به عالم برزخ، دو فرشته به نامهای نکیر و منکر مؤمنان خالص و کفّار محض را برای تثبیت اصول عقیدتی شان مورد سؤال قرار می دهند. آنگاه هر کسی، کم و بیش متناسب با اعمالش متنعم یا معذب می شود. [29]

نشانه های رستاخیز

طبق آیات قرآن، هنگامی که در آستانه روز رستاخیز قرار می گیریم، یک سلسله حوادث عظیم و دگرگونی و تغییر و تحوّل ناگهانی رخ می دهد که از نشانه های برپایی قیامت به حساب می آیند. اینک به نمونه هایی از آنها اشاره می شود. در آن روز آسمان به شدّت به حرکت درمی آید، از هم می شکافد، سست می شود، فرو می ریزد و به صورت فلز گداخته در می آید و چون روغن مذاب گلگون می شود. خورشید خاموش و ماه بی نور می گردند و نهایتاً به هم می پیوندند و ستارگان محو و تاریک می گردند. خلاصه اینکه، در آن روز آسمان چون طوماری در هم می پیچد. [30]

اما زمین تکان می خورد و به لرزه درمی آید. کوهها از جای خود کنده شده به حرکت درمی آیند و سپس منهدم می شوند و به توده ای از شن متراکم و پشم زده شده تبدیل می شوند. پس از آن، به صورت غبار درمی آیند و متفرّق می گردند و نهایتاً از میان می روند و زمین صاف و هموار می شود. همچنین، دریاها شکافته می گردند و شعله ور می شوند و.... [31]

نفخ صور

یکی دیگر از نشانه های پیدایش رستاخیز، دمیدن در صور یا شیپور است که از آن به «نفخ صور» تعبیر می شود. قرآن کریم در آیات متعدد با عناوین مختلفی مانند صیحه، زجره، صاخّه و نقر به این حادثه تصریح کرده است. از نظر قرآن، دو بار در نفخ صور دمیده می شود که در نفخ اوّل، هر که در آسمان و زمین است جز آنکه خدا خواهد، بی هوش می شود. به عبارت دیگر، در این مرحله وضع کنونی این عالم برچیده می شود که به آن «نفخ موت» نیز می گویند. وقتی بار دیگر در صور دمیده می شود، همه آدمیان بر می خیزند و گذشتگان و آیندگان به هم می پیوندند و برای محاسبه اعمالشان آماده می شوند. از نفخ دوم با «نفخ بعث» یاد کرده اند. [32]

رستاخیز عمومی

طبق آیات قرآن کریم، پس از نفخ دوم، همه مردگان از قبرهایشان برانگیخته می شوند و برای محاکمه و رسیدگی به اعمالشان در محکمه عدل الهی حاضر می شوند. [33] سپس، خدای متعال در حضور شاهدان و گواهان، از جمله پیامبران الهی، فرشتگان، زمین، اعضای بدن و پوست بدن، [34] بر اساس قسط و عدل داوری می کند [35] و نامه هر کسی به دستش داده می شود و به آنچه کرده است آگاه می گردد. [36] به تعبیر دیگر، هر کسی نتیجه سعی و کوشش خودش را می یابد. [37]

پس از صدور و اعلام حکم الهی، [38] نیکوکاران و بدکاران از یکدیگر جدا می شوند. [39] آنگاه، هر کدام برای

رسیدن به جایگاه خاص خود، از روی پلی به نام «صراط» عبور می کنند. مؤمنان، روسفید و شاد و خندان و به سلامت و آسانی از روی آن عبور می کند و به بهشت روانه می گردند [40] و کافران و منافقان، رو سیاه و اندوهگین و با ذلت و خواری از روی آن پل به ورطه دوزخ سقوط می کنند. [41]

بهشت با همه نعمت ها و لذات جاودانه اش جایگاه مؤمنان و نیکوکاران است. [42] دوزخ با رنج و عذاب ابدیش جایگاه کافران و منافقانی است که هیچ نور ایمانی در دل هایشان وجود ندارد. [43]

نتیجه گیری

از مجموع آنچه گفته شد چنین بر می آید که مسأله حیات پس از مرگ از جمله دغدغه های اصیل و دیرین بشری و از اجزا و عناصر مهم و مشترک نظام اعتقادی بسیاری از ادیان است و اکثر آنها بقای روح پس از مرگ را پذیرفته اند، با این تفاوت که ادیانی چون آیین هندو و بودا معتقد به بقای روح در این جهان، آن هم در کالبد های گوناگون اند و به جهان آخرت باور ندارند، ولی آیین زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام بر این باورند که در ورای این عالم، عالمی وجود دارد که روح پس از جدایی از تن در آن سکنی خواهد گزید.

گفتنی است که آخرت شناسی در کتاب مقدس یهودیان بسیار ضعیف است و فقط در کتاب تلمود اشاراتی به آن شده است. در مقابل، دین مسیحیت به مسأله آخرت زیاد تأکید کرده، ولی چندان به جزئیات مسأله نپرداخته است. در این میان، آیین زرتشت و دین اسلام با جزئیات بیشتری به این دغدغه اصیل بشری پرداخته اند. با وجود این، آخرت شناسی دین اسلام در قیاس با سایر ادیان، روشن، ساده و شفاف است.

سوتیترها

به نظر برخی از معتقدان به تناسخ، تولّد دوباره یا بازگشت مجدد انسان ها به این جهان به یکی از چهار صورت زیر می باشد: 1. حلول روح شخص متوفی در جمادات (رسخ)؛ 2. حلول روح شخص متوفی در نباتات (فسخ) 3. حلول روح شخص متوفی در حیوانات (مسخ) 4. حلول روح شخص متوفی در انسان ها (نسخ یا تناسخ).

عقیده به حیات پس از مرگ در میان ملل گذشته سبب شده بود که آنان برای جلوگیری از بازگشت مردگان یا رفع برخی از نیازهای آنان تدابیری اتخاذ کنند که برخی از آنها عبارتند از: قرار دادن انبوهی از سنگ بر روی جسد مرده، بستن بدن مرده با طناب، فرو بردن چوب نوک تیز در سینه مرده و دوختن جسد او به زمین، تقدیم هدایا به مرده پس از دفن جسد، کاشتن خار در اطراف قبر و در خط مسیر گورها، دفن خوراکی ها، جواهرات و انواع وسایل دفاعی به همراه جسد مرده و زنده به گور کردن زنان و خدمتگزاران میت با او.

پیروان آیین زرتشت، جسد مرده را به آب، خاک و آتش نمی سپارند، چون آنها را مقدس می دانند، بلکه آنان تا چندی پیش اجساد را به دور از مردم بر بالای کوه در جاهایی که آنها را «برج خاموشان» می گفتند قرار می دادند تا طعمه عقابان و کرکسان و سایر لاشخوران گردد. پس از مدتی استخوانهای مردگان را گرد آورده در چاهی که آن را «استودان (استخواندان)» گویند می ریختند و آن استخوانها در آنجا می ماندند و می پوسیدند. ولی اکنون آنان مردگان خود را در برج خاموشان یا در دخمه نمی گذارند، بلکه بالغ بر چهل سال است که مردگان را در اطاقهای کوچک ساخته شده از سیمان در محلی به نام «قصر فیروزه» در شرق تهران می گذارند.

از نظر قرآن، دو بار در نفخ صور دمیده می شود که در نفخ اول، وضع کنونی این عالم بر چیده می شود که به آن «نفخ موت» نیز می گویند. وقتی بار دیگر در صور دمیده می شود، همه آدمیان بر می خیزند و گذشتگان و

آیندگان به هم می پیوندند و برای محاسبه اعمالشان آماده می شوند. از نفخ دوم با «نفخ بعث» یاد کرده اند. مسأله حیات پس از مرگ از جمله دغدغه های اصیل و دیرین بشری و از اجزا و عناصر مهم و مشترک نظام اعتقادی بسیاری از ادیان است و اکثر آنها بقای روح پس از مرگ را پذیرفته اند، با این تفاوت که ادیانی چون آیین هندو و بودا معتقد به بقای روح در این جهان، آن هم در کالبد های گوناگون اند و به جهان آخرت باور ندارند. آخرت شناسی در کتب مقدّس یهودیان بسیار ضعیف است. در مقابل، مسیحیت به مسأله آخرت زیاد تأکید کرده، ولی چندان به جزئیات مسأله نپرداخته است. در این میان، آیین زرتشت و دین اسلام با جزئیات بیشتری به این دغدغه اصیل بشری پرداخته اند. با وجود این، آخرت شناسی دین اسلام در قیاس با سایر ادیان، روشن، ساده و شفاف است.

پی نوشت ها :

*. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلّم آذربایجان.

[1]. ناس، جان بی.؛ تاریخ جامع ادیان؛ ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم، 1382، صص 23-25.

[2]. توفیقی، حسین؛ آشنایی با ادیان بزرگ؛ قم - تهران: سمت - مؤسسه فرهنگی طه - مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ هفتم، 1384 صص 13، 14، 24، و 25.

[3]. همان، ص34؛ تیواری، کدارات؛ دین شناسی تطبیقی؛ ترجمه مرضیه (لوئیز) شنکایی، تهران: سمت، چاپ اول، 1381، صص 17 و 31-35.

[4]. از آنجا که آیین بودا به نظریه گذرا بودن امور معتقد است و هر چیزی را فانی و زودگذر می داند و به چیزی دائمی باور ندارد، لذا از دیدگاه این آیین، روح به عنوان جوهری دائمی و ثابت وجود ندارد. روح چیزی جز سیلان لحظات متغیر آگاهی نیست.

[5]. همان ، صص 52 و 68-70 ؛ قربانی ، زین العابدین ؛ بسوی جهان ابدی ؛ قم : انتشارات شفق ، چاپ سوم ، 1372 ، صص 35 - 41 .

[6]. برای نمونه می توانید به الاشارات و التنبيهات، ابن سینا، ج 3، ص 356 و المبدأ و المعاد، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی با مقدمه و تصحیح جلال الدین آشتیانی، ص 324 مراجعه نمایید.

[7]. باقری، مهري؛ دین های ایرانی پیش از اسلام؛ تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول، 1376، صص 54-57.

[8]. مهر، فرهنگ؛ دیدی نو از دینی کهن (فلسفه زرتشت)؛ تهران: نشر جامی، چاپ اول، 1374، صص 96 - 94.

[9]. بنی حسین، محمد صادق؛ ادیان و مذاهب جهان؛ جلد دوم، قم: مولف، چاپ اول، 1372، ص 894.

[10]. «تَنَخَّ» از سه حرف «ت» = تورات، «ن» = انبیاء و «خ» = مکتوبات تشکیل یافته و شامل 39 کتاب است که از نظر موضوع به سه بخش (1) بخش تاریخی؛ (2) حکمت، مناجات و شعر؛ و (3) پیشگوییهای انبیا تقسیم شده است. تَنَخَّ در نزد مسیحیان به «عهد عتیق» معروف است.

[11]. «تلمود» در لغت به معنای آموزش است و در اصطلاح به کتابی بسیار بزرگ اطلاق می شود که احادیث و احکام یهود را دربر دارد. این کتاب، در واقع، تفسیر و تأویل تورات است و گاهی از آن به «تورات شفاهی» نیز یاد

می شود.

[12]. بسوی جهان ابدی، صص 50 و 51.

[13]. گنجینه ای از تلمود، صص 391-351.

[14]. کتاب مقدس به دو بخش نامساوی تقسیم می شود: «عهد عتیق» و «عهد جدید». عهد عتیق را می توان کتاب مقدس یهودیان نیز محسوب کرد و دارای 46 کتاب است (در نسخه های یهودی و پروتستانی تنها 39 کتاب یافت می شود). «عهد جدید» به مسیحیان اختصاص دارد و دارای 27 کتاب است (توماس میشل؛ کلام مسیحی؛ ترجمه حسین توفیقی، ص 21) و از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می شود: 1- اناجیل (متی، مرقس، لوقا، یوحنا)؛ 2 - اعمال رسولان؛ 3- نامه های رسولان؛ 4 - مکاشفه یوحنا.

[15]. کتاب مقدس؛ انجیل یوحنا: 6/39، 44، 54؛ انجیل لوقا: 14/14؛ انجیل متی: 12/36؛ انجیل مرقس: 3/28؛ انجیل لوقا: 22/29، 30؛ انجیل متی: 16/19 و 17؛ انجیل متی: 16/18.

[16]. دین شناسی تطبیقی؛ صص 165-167.

[17]. «یؤمنون بالله و الیوم الآخر...». (آل عمران/ 114)

[18]. بسوی جهان ابدی، ص 74.

[19]. به ترتیب: فاتحه/ 4؛ نساء/ 141؛ ص/ 26؛ شوری/ 7؛ دخان/ 40؛ مریم/ 39؛ ق/ 42؛ روم/ 56؛ غافر/ 18؛ توبه/ 18؛ ق/ 34.

[20]. احقاف/ 32؛ و نیز بنگرید به: یس/ 83-81؛ زمر/ 67.

[21]. روم/ 27؛ و نیز بنگرید به: یس/ 80-78؛ انبیاء/ 104.

[22]. اعراف/ 57؛ و نیز بنگرید به: حج/ 5 و 6؛ ق/ 11؛ فاطر/ 9؛ روم/ 19.

[23]. بقره/ 73، 243 و 259؛ و نیز بنگرید به: آل عمران/ 49؛ مائده/ 11.

[24]. جاثیه/ 24 و 25.

[25]. مومنون/ 115 و 116؛ و نیز بنگرید به: دخان/ 40 - 38؛ حجر/ 85.

[26]. قلم/ 35 و 36؛ و نیز بنگرید به: جاثیه/ 21 و 22.

[27]. روم/ 8؛ سبأ/ 30؛ عنکبوت/ 5؛ آل عمران/ 185؛ نساء/ 78.

[28]. مؤمنون/ 100.

[29]. سوزنچی، حسین؛ آفتاب اندیشه؛ زندگی پس از مرگ (جلد چهارم از مجموعه پرسشها و پاسخهای دینی)؛ تهران: دفتر کمک آموزشی رشد، 1384، صص 105-66.

[30]. انبیاء/ 104؛ طور/ 9؛ حاقه/ 16؛ معارج/ 8؛ رحمن/ 37؛ تکویر/ 1 و 2؛ قیامه/ 9-7؛ مرسلات/ 8؛ و...

[31]. مزمل/ 14؛ حاقه/ 14؛ طور/ 10؛ واقعه/ 5 و 6؛ قارعه/ 5؛ طه/ 105 و 106؛ انفطار/ 3؛ تکویر/ 6؛ و...

[32]. بسوی جهان ابدی، صص 296 و 297؛ نمل/ 87؛ زمر/ 68؛ یس/ 53؛ نازعات/ 13-14؛ عبس/ 33-34؛ مدثر/ 8-10.

[33]. یس/ 51.

[34]. به ترتیب: نحل/ 89؛ احزاب/ 45؛ ق/ 21؛ زلزال/ 4؛ نور/ 24؛ فصلت/ 21-19.

[35]. یونس/ 45 و 93.

[36]. آل عمران/ 3؛ تکویر/ 14.

[37] . نجم / 40 و 41.

[38] . اعراف / 44.

[39] . انفال / 37؛ يس / 59.

[40] . زمر / 73؛ آل عمران / 107.

[41] . زمر / 60 - 70؛ آل عمران / 106.

[42] . آل عمران / 15 و 133؛ حاقه / 23؛ بقره / 25 و 82؛ محمد (ص) / 15؛ نحل / 31 و 8؛ ق / 35؛ كهف / 31؛ اعراف / 43 و 35؛ صافات / 45 - 47؛ ص / 51؛ سجده / 17؛ ابراهيم / 23؛ مريم / 62؛ دهر / 13؛ نبأ / 35؛ واقعه / 17.

[43] . ابراهيم / 23؛ حجر / 48؛ كهف / 3 و 108؛ طه / 76؛ انبياء / 102؛ مؤمنون / 11 و ...